

نقش حقوق در کارآمدی خانواده از دیدگاه اسلام

محمد مهدی صفورایی پاریزی^۱

چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناسایی حقوق اعضای خانواده بر اساس منابع دین اسلام و نقش و تأثیر آنها در کارآمدی خانواده انجام شده است. بدین منظور، با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، آیات و روایات مربوط به خانواده استخراج و ارائه گردیده‌اند.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که منابع دینی برای هر یک از اعضای خانواده (زن، شوهر، فرزند، پدر و مادر)، حقوقی را وضع، و در مقابل این حقوق، وظایفی نیز برای طرف مقابل معین کرده‌است. بر اساس منابع دینی، رعایت حق و انجام وظیفه در کنار هم است که تأمین‌کننده کارآمدی خانواده می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: خانواده، حقوق، کارآمدی، فرزند، زن، شوهر، والدین، اسلام.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ استادیار جامعه المصطفی العالمیه. دریافت: ۸۸/۱۱/۲۵ - پذیرش: ۸۹/۳/۱۱. safurayi1347@gmail.com

مقدمه

خانواده که ریشه سلسله بشریت بر آن استوار است، بدون استحکام، آرامش، پویایی و کارآمدی استوار نمی‌گردد. یکی از عوامل استحکام، آرامش و کارآمدی خانواده رعایت حقوق اعضای خانواده توسط یکدیگر است. دقت توجه به حقوق باعث شناخت بهتر آنها و برطرف کردن اقص است.

یکی از راه‌های پیش‌گیری از به سردی گراییدن و حتی فروپاشی خانواده و روابط خانوادگی و در عوض کارآمدی خانواده، آشنایی با حقوق، وظایف و شفافیت حدود و انتظارات الزامی و غیرالزامی هریک از زوجین است. یعنی اگر زن و شوهر از ابتدا نسبت به حقوق یکدیگر و فرزندان خود آشنایی کامل داشته باشند و حدود انتظارات خود را بر مبنای این شناخت قرار دهند، کارآمدی خانواده بیشتر تأمین خواهد شد؛ زیرا بسیاری از ناسازگاری‌هایی که کارآمدی خانواده را به خطر می‌اندازد استحکام آن را سست می‌کند، ریشه در رعایت نکردن حقوق و قدرناشناسی هریک از زوجین نسبت به یکدیگر دارد. برای مثال، یکی از حقوقی که برای زن در نظر گرفته شده، عدم الزام او به انجام کارهای خانه است؛ یعنی شوهر نمی‌تواند او را مجبور کند که کارهای خانه را انجام دهد. البته این بدین معنا نیست که بخواهیم تمام بار زندگی را بر دوش مرد بگذاریم و او را وادار کنیم علاوه بر مخارج عادی زندگی مخارج جدیدی نیز متحمل شود و یا بخشی از وقت خود را به انجام کارهای درون خانها اختصاص دهد. می‌خواهیم مردانی را که به خاطر کارهای بیرون از خانه بر همسران خود منت می‌نهند و کار آنها را در داخل خانه بی‌ارزش می‌پندارند به این نکته توجه دهیم که آنچه همسر در خانه انجام داده است، از باب وظیفه نیست، بلکه بر اساس فضیلت و لطف است. اگر مرد با این نکته آشنا باشد که کار در منزل وظیفه زن نیست، از زحمات‌های طاقت‌فرسای همسر خود در خانه قدردانی می‌کند، کوتاهی را با دیده اغماض می‌نگرد و برای رفع اقص، خود نیز دست به کار می‌شود. بر چنین فضایی، دوستی، مهر و همکاری حاکم می‌شود و اعضای خانواده با آرامش و علاقه کارها را انجام می‌دهند و خانواده‌ای کارآمد شکل می‌گیرد. آن‌گاه که اعضای خانواده با حقوق و وظایف خود آشنا باشند، بازخوردهای مطلوب‌تری خواهند داشت. بازخوردها^۱ در روان‌شناسی اجتماعی از چنان اهمیتی برخوردارند که برخی صاحب‌نظران، روان‌شناسی اجتماعی را تنها مطالعه بازخوردها می‌دانند.^۲

در مکتب غنی اسلام، مسئله حقوق متقابل انسان‌ها و به ویژه حقوق متقابل اعضای خانواده مورد توجه جدی قرار گرفته

است و برای آن در تمامی مراحل و تمام اعضا شامل شوهر، همسر و فرزندان می‌شود، قوانین لازم‌موضوع شده است. درباره ادای حق مؤمنان، در متون دینی آمده است: خداوند به چیزی برتر از ادای حق مؤمنان، در متون دینی آمده است؛^۳ یعنی اینکه رعایت حقوق نه تنها عامل استحکام و کارآمدی خانواده است، بلکه خداوند در مقابل انجام وظایف و رعایت حقوق به انسان‌ها پاداش می‌دهد و آن را جزء عبادات می‌شمارد.

بررسی نتایج پژوهش‌هایی که در زمینه خانواده در مراکز علمی - پژوهشی انجام شده است، نشان می‌دهد که به‌بیشتر پژوهش‌ها به بررسی موضوع اثربخشی رعایت حقوق در رضایت زناشویی و یا رضامندی خانوادگی پرداخته‌اند. بسیاری از این پژوهش‌ها یا از منابع دینی بی‌بهره‌اند و یا اگر بر اساس منابع دینی انجام شده باشند، از تحلیل روان‌شناختی برخوردار نیستند. مهم‌ترین ویژگی این پژوهش معرفی و بررسی نقش و تأثیر رعایت حقوق یکدیگر در کارآمدی خانواده بر اساس منابع دینی و با تحلیل روان‌شناختی می‌باشد.

تعاریف

حق: در زمینه تعریف «حق» فلاسفه حقوق، حقوق دانان، جامعه‌شناسان و دیگر محققانی که در صدد تعریف حقوق بوده‌اند، مطالعات و تحقیقات فراوانی انجام داده‌اند. اصولیان و فقهای شیعه نیز بحث‌های عمیق و فراوانی در این زمینه داشته‌اند. لکن در بحث شاخص حقوقی خانواده کارآمد، تعریف زیر بیشتر با بحث تناسب دارد: «حق امری اعتباری است که برای کسی (له) بر دیگری (علیه) وضع می‌شود.»^۴ این حق ممکن است ریشه واقعی داشته و یا نداشته باشد؛ یعنی در مفهوم آن وجود یا عدم ریشه واقعی ملحوظ نیست.^۵

حق لوازمی دارد که یکی از آشکارترین آنها بهره‌وری است؛ کسی که نسبت به چیزی یا کسی حق دارد، می‌تواند از متعلق حق خود بهره‌ور شود و نفعی ببرد. اختصاص و امتیاز نیز از لوازم حقند؛ چون نفعی که صاحب حق از متعلق حق خود می‌برد مانع از آن می‌شود که دیگران آن بهره را ببرند. می‌توان گفت: نفع مذکور به‌ذی‌حقوق اختصاص دارد و چون دیگران از این بهره‌وری ممنوع‌اند و حق به سود ذی‌حق بر آنان است، از این‌رو، حق نوعی امتیاز برای ذی‌حق ایجاد کرده است.^۶

خانواده: صاحب‌نظران تعریف‌های متعددی برای خانواده ارائه کرده‌اند. هر تعریف به بعدی از خانواده توجه داشته‌است. می‌توان خانواده را با توجه به ویژگی‌های اساسی آن تعریف کرد.

خانواده از عمومی‌ترین سازمان‌های اجتماعی است که بر اساس ازدواج بین یک مرد و یک زن شکل می‌گیرد. در آن، مناسبات خونی یا اسناد یافته به چشم می‌خورد. معمولاً دارای نوعی اشتراک مکملی است و کارکردهای گوناگون شخصی، جسمانی، اقتصادی و تربیتی را برعهده دارد.^۷

خانواده کارآمد: خانواده کارآمد، خانواده‌ای است که با پایبندی اعضای آن به اعتقادات دینی و رعایت حقوق و اخلاق اسلامی، زمینه کشف و پرورش قابلیت‌ها و توانایی‌های آنان را در ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری فراهم کند.^۸

تفاوت اخلاق و حقوق

هرچند اخلاق و حقوق در مواردی همپوشی دارند، اما تفاوت‌های اساسی نیز بین این دو حیطه وجود دارد. در ذیل، به برخی از این تفاوت‌ها اشاره می‌شود:

الف. احکام حقوقی تنها برای تنظیم روابط رفتار اجتماعی انسان در زندگی دنیوی است، در صورتی که احکام اخلاقی فوق هدف حقوقی آن است و منحصر به اهداف دنیوی نمی‌شود.

ب. احکام حقوقی ضامن اجرایی بیرونی دارد، اما احکام اخلاقی دارای ضامن درونی است.

ج. بایدها و نبایدهای اخلاقی، کلی، ثابت و جاودانی‌اند، برخلاف بایدها و نبایدهای حقوقی که کم‌وبیش دست‌خوش تغییر و دگرگونی می‌شوند.^۹

حق و تکلیف

حق و تکلیف دو مفهوم متقابل و دو روی یک سکه‌اند. وقتی شوهر حق دارد همسر خود را از اشتغال به کار ممنوع کند، پس زن تکلیف دارد که از اشتغال به کار امتناع کند. در نتیجه، حقوق و تکالیفی که در رفتارهای اجتماعی انسان‌ها و در ارتباطات متقابل آنها مصداق می‌یابند، جعل متقابل دارند و وضع هر یک مستلزم وضع دیگری است؛ یعنی هر جا حقی جعل شود حتماً تکلیفی نیز به دنبال دارد و هر جا تکلیفی بر عهده شخصی گذاشته می‌شود حتماً برای رعایت حقی بوده است.^{۱۰}

حقوق و تکالیف الزامی و غیرالزامی

برخی از حقوق و تکالیفی که از دیدگاه منابع دینی در جامعه و کانون خانواده برای اعضا در نظر گرفته شده‌است، الزامی و

غیرقابل تخلف هستند و هر یک از اعضا در مقابل حقوقی که برایشان وضع شده است حق دارند از من علی‌الحق بازخواست نکنند و نیز لازم است انجام تکلیف را به صورت قطعی و تخلف‌ناپذیر تقاضا نمایند؛ چراکه برای تخلف از رعایت حق و انجام تکلیف مجازات تعیین شده است. اما دسته‌ای دیگر از حقوق وجود دارند که الزامی نیستند و ترک تکلیف و رعایت نکردن حقیبازخواست و مجازاتی را به دنبال ندارد. البته هر دو دسته‌حق و تکلیف در جهت دستیابی به خانواده‌ای کارآمد وضع شده است. اما از لحاظ شرعی و براساس منابع دینی، دسته اول با عنوان حقوق واجب معرفی شده‌اند و دسته دوم جزء مستحبات و گاهی مباح به شمار می‌آیند.

برای رعایت هر دو دسته حقوق از جانب خداوند پاداش و اجر اخروی در نظر گرفته شده است، اما در صورتی که حقوق واجب ترک شود و عضوی از اعضای خانواده تکلیف الزامی خود را انجام ندهد علاوه بر مجازات قانونی و مدنی، خداوند فرد را عذاب خواهد کرد، اما در مورد بخش دوم (حقوق و تکالیف غیرالزامی) ترک این وظایف عذابی را به دنبال نخواهد داشت. ناگفته‌نماند که هر یک از حقوق غیرالزامی دارای پشتوانه الزام اخلاقی است؛ زیرا کارآمدی کانون خانواده را تنها براساس الزام و قانون نمی‌توان تضمین کرد؛ چراکه در این صورت این سازمان به سازمانی خشک و بی‌روح و بدون عاطفه و اخلاق و بدون استحکام تبدیل خواهد شد و استوار و پایدار نخواهد ماند.

خانواده تنها یک سازمان حقوقی نیست که قانون بتواند نظم را در آن ایجاد کند، بلکه سازمانی است که همبازمانند قواعد حقوقی است و هم اخلاقی. در این اختلاطنیز غلبه با اخلاق است؛ زیرا نه تنها بیشتر قوانین مربوطه آن ضمانت اجرای مؤثر ندارد، بلکه آنچه هست از اخلاق مذهبی و اجتماعی ناشی شده و در مقررات و قانون نفوذ کرده است.

در تمام جوامع خانواده نماینده و مظهر اخلاق عمومی است و آنچه در خانواده باید به وجود آید عشق و مهربانی، حسن نیت و اعتماد متقابل است، و هیچ نیرویی جز اخلاق ایمان نمی‌تواند بر این عواطف حکومت کند. الزام به تأمین معاش خانواده و تربیت فرزندان و تکلیف زن و فرزندان نسبت به خوش‌رویی با مرد و اطاعت از او، از قواعد اخلاقی است که حقوق به عاریت گرفته است.

در مواردی که حقوق دستوره‌های کلی می‌دهد و تکالیف عام و مجملی را مقرر می‌دارد، مصداق‌های آنوعی الزام اخلاقی است. برای مثال، در مواد ۱۱۰۳ و ۱۱۰۴ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند و باید در تشییع‌مانی خانواده و تربیت اولاد خود

همکاری کنند، و برطبق ماده ۱۱۷۷ فرزند باید مطیع ابویین خود بوده و در هرسنی به آنها احترام بگذارد. ولی آیا تکلیف زن را درپرستاری از شوهر بیمار خود، یا الزام مرد را در رساندنفرزندانش به مدرسه، می‌توان تنها الزام حقوقی دانست؟ بدون شک، انجام این کارها لازمه حسن معاشرت وهمکاری زن و شوهر در تربیت اولاد است، اما برای الزامه هریک از آنها نمی‌توان در دادگاه اقامه دعوی کرد، وقانون برای تخلف از یکایک امور جزئی کیفر خاص معینمی‌کند. در این‌گونه امور، جنبه اخلاقی بر آثار حقوقی آنهاغلبه دارد. پس در خانواده نمی‌توان حقوق و اخلاق را از هم جدا ساخت و مرز بین قواعد آن دو را به دقت رسم کرد.^{۱۱}

بدین ترتیب، براساس تقسیم‌بندی حقوق به الزامی و غیرالزامی و بدون توجه به پشتوانه اخلاقی آن، می‌توانحقوق اعضای خانواده را به شرح زیر تقسیم کرد:

۱. حقوق زن و تکالیف الزامی شوهر؛
۲. حقوق شوهر و تکالیف الزامی زن؛
۳. حقوق زن و تکالیف غیرالزامی شوهر؛
۴. حقوق شوهر و تکالیف غیرالزامی زن؛
۵. حقوق فرزندان و تکالیف الزامی پدر؛
۶. حقوق فرزندان و تکالیف الزامی مادر؛
۷. حقوق فرزندان و تکالیف غیرالزامی پدر؛
۸. حقوق فرزندان و تکالیف غیرالزامی مادر؛
۹. حقوق والدین و تکالیف الزامی فرزندان؛
۱۰. حقوق والدین و تکالیف غیرالزامی فرزندان.

اما بر اساس آنچه گفته شد، اگر اعضای خانواده بااختیار خود حقوق یکدیگر را رعایت نکنند، نمی‌توان بالزام آنان به رعایت حقوق الزامی به کارآمدی دست یافت، تا چه رسد به حقوق غیرالزامی که هیچ پشتوانه قانونی‌ندارد و فرد به آسانی می‌تواند رعایت آنها را زیر پا بگذارد. به همین دلیل، در بحث تقسیم‌بندی بهتر آن است که حقوق را به چهار دسته حقوق زن، حقوق شوهر، حقوق فرزندان، و حقوق والدین تقسیم کنیم. کارآمدی خانواده تنها مستلزم رعایت حقوق است و به هر میزان که حقوق اعم از الزامی و غیرالزامی رعایت شود بر کارآمدی آن افزوده خواهد شد.

حقوق زن

موارد ذیل، جزو حقوق زن به شمار می‌روند که برآورده‌کردن آنها بر عهده شوهر می‌باشد.

الف. تهیه مخارج و لوازم زندگی

تأمین مخارج زن بر مرد واجب است و مقدار آن بر اساس نیاز و شأن زن تعیین می‌گردد.^{۱۲} در ماده ۱۱۰۷ بازنگری‌شده^{۱۳} قانون مدنی جمهوری اسلامی نیز آمده‌است: «نفقة عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث‌منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت‌تعداد یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض»^{۱۴} بنابراین، نفقه واجب که از حقوق زن شمرده‌می‌شود^{۱۵} و مرد باید آنها را به صورت الزامی تهیه کندعبارت‌اند از:

الف. فراهم نمودن مسکن مناسب؛^{۱۶}

ب. تهیه غذا و خوردنی‌های موردنیاز؛^{۱۷}

ج. تهیه پوشاک موردنیاز و متناسب با شأن زن؛^{۱۸}

د. تأمین هزینه‌های درمانی. حفظ سلامت زن به عهده‌مرد است و وی موظف است زمینه زندگی را در فضایی‌سالم برای زن فراهم کند، به گونه‌ای که از لحاظ روحی و جسمی در آسایش کامل به سر برد و هرگاه که بیمار شد براو واجب است که به درمان همسر خود بپردازد و هزینه‌های پزشکی و درمانی وی را تأمین نماید.

ه. تهیه وسایل زندگی مناسب و متناسب با شأن زن. تهیه وسایل موردنیاز از وظایف الزامی مرد است و جزء حقوق و نفقه واجب زن به حساب می‌آید.

در مورد این‌وظیفه‌الزامی‌مرد، چند نکته قابل توجه است:

۱. وجوب نفقه مشروط به تمکین کامل زن است، به‌گونه‌ای که اگر مرد نفقه را از قبل پرداخت نمود ولی زنده‌تبی از آن زمان نشوز داشت، نفقه ایام نشوز باید به مردبرگردانده شود و زن این مقدار از نفقه دریافتی را به همسر خود بدهکار است.

۲. وجوب نفقه مربوط به همسر دائم است.

۳. وجوب نفقه مشروط به عدم توانایی مالی زن و فقر و احتیاج او نیست.

۴. در صورتی که مرد از پرداخت نفقه امتناع کند، زنده‌تبی می‌تواند بدون اجازه از اموال او به اندازه نفقه و مخارج‌متعارف خود بردارد.

۵. اگر مرد ثروتمندی با زن فقیری ازدواج کند مرد نباید گذشته زن را برای پرداخت نفقه ملاک قرار دهد، بلکه باید حال او را در نظر بگیرد و متناسب با شأن و منزلت و نیاز فعلی‌اش مخارج و لوازم زندگی او را تأمین نماید.^{۱۹}

ب. تأمین نیاز جنسی

یکی از انگیزه‌های اصلی تشکیل خانواده تأمین نیاز جنسی زوجین است. احساس جنسی و اندام‌های مربوطه آن

بخش‌های مهمی از وجود انسان هستند. برای حفظ استمرار سلامت و آرامش روانی و کارآمدی کانون خانواده، اولین نکته تصدیق صریح و درک احساس جنبه‌جنسی همسر خویش است. برادفورد^{۲۰} در زمینه رضایت زوجین از زندگی، تحقیقی انجام داد. در این تحقیق، از ۳۵۱ زوج که بیش از پانزده سال با یکدیگر زندگی کرده بودند، در خصوص دلایل ادامه زندگی مشترکشان پرسیده شد. نتایج این پژوهش نشان داد که یکی از عوامل مؤثر در تداوم زندگی مشترک رضایت از روابط جنسی بوده است.

عدم توجه به این نیاز، زن را دچار ناراحتی‌های جدی می‌کند. به همین دلیل، شرع مقدس اسلام برآورده کردن نیاز جنسی زن را، که مطابق طبیعت انسان است، جزء حقوق وی و از تکالیف مرد شمرده است. قرآن کریم روابط جنسی را برای زندگی زینت به حساب آورده است.^{۲۱} اسلام ارضای نیاز جنسی را که جزء نیازهای طبیعی انسان است تنها از راه ازدواج می‌پذیرد و آن را رکن اساسی ازدواج می‌داند و به دلیل آنکه راه دیگری غیر از ازدواج برای ارضای نیاز جنسی وجود ندارد، از وظایف مرد است که نیاز زن خود را تأمین کرده و به رعایت این حق پایبند باشد.

ج. گشایش در زندگی

از نظر روایات، مرد وظیفه دارد برای ایجاد شرایط زندگی رضایت‌بخش و تأمین هزینه‌های مطلوب و معقول زندگی تلاش نماید و از توسعه در نیازمندی‌های اعضای خانواده استقبال کند. در متون دینی محبوب‌ترین مرداندر نزد خداوند متعال کسانی هستند که به خانواده خود بیشتر نیکی نموده و زندگی آنان را توسعه دهند.^{۲۲} اعضای خانواده‌ای که برای رشد و کمال خود از امکانات لازم برخوردار باشند با آسایش و آرامش بیشتر در جهت رشد خود حرکت می‌کنند و بعکس، آن‌گاه که با محدودیت‌های ایجاد شده از طرف همسر/پدر مواجه می‌شوند آرامش آنها به هم می‌ریزد و نسبت به نان‌آور خاندان منفی پیدا می‌کنند و این دیدگاه بر کارآمدی خانواده به شدت تأثیر می‌گذارد. در متون دینی آمده است که همسوار است مردها در زندگی خود به گونه‌های گشایش و توسعه ایجاد کنند که اعضای خانواده مرگ‌آور آرزو نمایند.^{۲۳}

در روایات، توسعه‌ای که جزء حقوق زن شمرده شده است مورد توجه جدی ائمه اطهار علیهم‌السلام قرار گرفته است. محتوای کلی احادیث نشان می‌دهد که فعالیت و کوشش‌مردها برای

تأمین نیازمندی‌های زندگی و توسعه در آنفوق‌العاده مورد توجه خداوند بوده و بالاترین پاداش برای آن در نظر گرفته شده است. پاداش شهادت در راه خدا از بالاترین پاداش‌ها در فرهنگ و متون دینی است و پاداش کسی که برای خانواده خود تلاش می‌کند همانند پاداش شهید و مجاهد فی سبیل‌الله^{۲۴} و گاهی بالاتر از آن شمرده شده است.^{۲۵} همچنین بی‌تفاوتی در این امور مورد سرزنش قرار گرفته و کسی که توجه جدی به توسعه زندگی خود و خانواده‌اش نداشته باشد و در این راه تلاش‌سازنده‌ای نداشته باشد مورد بی‌مهری رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌قرار گرفته است.^{۲۶}

د. آراسته و پاکیزه بودن

همان‌گونه که مرد توقع دارد همسرش زیبا، پاکیزه، مرتب و منظم باشد، زن نیز این توقع را از مرد خود دارد که نظافت و آراستگی را رعایت کند. آراستگی مرد رضایت‌زا زندگی را در زن ایجاد می‌کند، بر عفت و پاک‌دامنی اومی‌افزاید و او را از چشم داشتن به دیگر مردان حفظ می‌کند. یکی از یاران امام هفتم علیهم‌السلام نقل می‌کند: از علت خضاب کردن آن امام سؤال کردم، حضرت در جواب فرمودند: آسودگی و خودآرایی مرد موجب افزایش عفت‌زنان است. زنانی که عفت را ترک کردند به خاطر این بود که شوهر خود را مرتب و آراسته ندیدند. آن حضرت از امام رضا علیهم‌السلام نقل می‌کند که زنان بنی‌اسرائیل از عفت و پاکیزگی دست کشیدند و این مسئله هیچ علتی نداشت جز اینکه شوهرانشان خود را نمی‌آراستند. سپس فرمود: زنه‌م از مرد همان انتظاری را دارد که مرد از او دارد.^{۲۷}

حفظ عفت و پاک‌دامنی یکی از عوامل استحکام و کارآمدی خانواده است. از خانواده‌ای که عفت و پاک‌دامنی در آن وجود ندارد نباید انتظار داشته باشیم که زن و مرد نسبت به یکدیگر وفادار باشند. وفاداری زوجین به یکدیگر عامل انسجام، اتحاد و همبستگی زن و شوهر می‌شود و دل‌بستگی آنان به یکدیگر و کارآمدی خانواده را تأمین می‌کند. عفت و پاک‌دامنی به نوبه خود یکی از مهم‌ترین عوامل تربیت فرزندان و به دنبال آن اصلاح جامعه است. کانون خانواده بهترین محیط برای آموزش عفت به فرزندان است. فرزندان با الگوگیری از والدین پاکدامن خود، انسان‌هایی پاکدامن خواهند شد.

ه. معاشرت نیکو

زن برای مرد هدیه، نعمت و امانت الهی است^{۲۸} و شایسته برخورد و تعاملی شایسته و پسندیده.^{۲۹} تکریم و بزرگداشت

یکدیگر و دوری از اهانت و تحقیر، وظیفه‌انسانی و اخلاقی هر مرد و زنی است. مرد نباید عیوب همسر خود را بزرگ جلوه دهد، بلکه براساس دستورات دینی باید آن را ببوشاند.^{۳۰} از موارد مهم معاشرت نیکو بخشش خطاهای همسر است. آنان که از خطاهای دیگران می‌گذرند و از حق شخصی خویش صرف‌نظر می‌کنند، محبت دیگران را به خود جلب می‌کنند و آنان را خوش‌بین، وفادار و با محبت نگاه می‌دارند.

معاشرت نیکو، هم در گفتار مطرح است و هم در رفتار باید آشکار گردد. وقتی مرد با کلماتی مطلوب و چهره‌ای شکفته با زن خود روبه‌رو می‌شود، در واقع کلید محبت و دوستی و برقراری ارتباط صمیمی و کارآمد را به دست او داده است و با گفتار دلپذیر و شادی بخش روابط را استوار می‌گرداند. متانت در سخن و گفتار و زیبایی کلام از ویژگی‌های افراد پاکدل و از اخلاق اولیای دین است. حالانکه چهره‌ای گرفته و آشفته و کلمات آزاردهنده در چهارتباط و صمیمیت را می‌بندد و به _____ در بیخ فاصـله روانـی _____ و عاطفی افراد یادمی‌شود و در خانواده سبب ناکارآمدی آن می‌گردد.

از کام‌گیری منع نکن، هر چند بالای شتر باشد.^{۳۲} این دستورالعمل کنایه از اهمیت برآورده کردن نیاز جنسی مرد است.

ب. حق نظارت بر رفت و آمدها

این حکم که جواز خارج شدن زن از منزل مشروط به اجازه شوهر است، بر اساس روایات قابل خدشه نیست. در منابع شیعی روایات متعددی بر این مطلب دلالت دارند^{۳۳} و روایات مشابهی در منابع اهل سنت نیز در این باره نقل شده‌است.^{۳۴} در میان فقها نیز این حکم مسلم دانسته شده و کسی در آن تردید روا نداشته است. تنها برخی معتقدند که لزوم کسب اجازه شوهر اختصاص به مواردی دارد که خارج شدن از منزل با حقوق جنسی شوهر منافات داشته باشد، اما با توجه به اطلاق روایات، تخصیص آنها به موارد تضييع حقوق جنسی شوهر بی‌وجه است.^{۳۵}

ج. حق انتخاب محل سکونت

از لوازم حق تمکین جنسی، حق شوهر در تعیین محل سکونت است. زمانی زن می‌تواند به تکلیف ارضای جنسی شوهر خود عمل کند که از نظر محل سکونت تابع شوهر باشد. در متون دینی به چنین حقی برای شوهر اشاره شده و آن را از حقوق ثابت شده شوهر و از تکالیف الزامی زن می‌داند.^{۳۶} در عین حال، زن می‌تواند به هنگام عقد با استفاده از شرط ضمن عقد، شرط کند که شوهرش او را از شهر و محل سکونت خود خارج نسازد و یا در محل خاصی او را سکونت دهد، و در صورتی که شوهر این شرط را بپذیرد باید به آن عمل کند^{۳۷} و تخلف از آن خلاف وفای به عهد است.^{۳۸} در ماده ۱۱۱۴ قانون مدنی جمهوری اسلامی نیز به این حق اشاره شده است: «زن باید در منزلی که شوهر تعیین می‌کند سکنا نماید، مگر آنکه اختیار تعیین منزل به زن داده شده باشد.»

حقوق فرزندان

فرزند، شیرین‌ترین ثمره زندگی زن و مردی است که با عشق و محبت و با پیوند شرعی و الهی در کنار هم قرار گرفته‌اند. حضور فرزند در زندگی زناشویی نه تنها عشق و علاقه، پابندی و حس مسئولیت در زندگی مشترک و امیدواری به آینده را در زوجین افزایش می‌دهد، بلکه آنان «خود مشترک» را در آینه وجود فرزند به تماشا می‌نشینند. گریه و خنده نوزاد همچون

حقوق شوهر

بخش عمده‌ای از استحکام پایه‌های زندگی و کارآمدی خانواده در گرو رعایت حق شوهر از سوی زن است. آن‌گاه که زن حقوق شوهرش را رعایت کند مرد نیز انگیزه لازم و کافی برای انجام وظایف خود را دارد. این رعایت متقابل زمینه‌ساز بروز رفتارهای بهنجار و در نتیجه تحقق کارآمدی خانواده است. مهم‌ترین حقوق شوهر که جزء تکالیف الزامی زن هستند به شرح زیر است:

الف. ارضای نیاز جنسی

زن در غیر ایامی که از نظر شرع محدودیت دارد، واجب است نسبت به ارضای نیاز جنسی همسرش جواب مثبت دهد. حتی مستحب است در این زمینه پیش‌قدم شده و آمادگی خود را اعلام کند. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: بر زن لازم است از بهترین عطر استفاده کند، زیباترین لباس را بپوشد، خود را به نیکوترین وجه آرایش دهد و صبح و شام همچون طاووس خرامان خود را به شوهر عرضه کند. حضرت در ادامه می‌فرماید: اگر این مقدار را انجام دهد تنها حق شوهر خود را ادا کرده است، در حالی که حق شوهرش بیش از اینهاست.^{۳۱}

در رابطه با میل مرد به زن و تمکین وی نسبت به شوهر، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله دستور عجیبی دارند. آن حضرت در پاسخ زنی که از حق شوهر خود از رسول خدا پرسید، فرمودند: او را

مضایی بر تارهای وجود آنانزخمه می‌زند و آهنگ دلنشین دوست داشتن، مهرورزیدن، لطف و شفقت داشتن، ایثار و فداکاری و دلسوزی و مهربانی را طنین‌انداز می‌کند.

فرزند به گل نوشکفته‌ای می‌ماند که سبزه‌زار زندگی‌ناشویی را با لطافت و طراوت آذین می‌بندد. فرزندعطیه‌ای الهی است که در جاری لطف و فضل خداوندی، خیر کثیر را به ارمغان آورده و پدر و مادر را امانتدار الهی می‌گرداند و به آنها امکان می‌دهد که با تربیت اسلامی و ادای حقوق این امانت، خود را در گذر زمان جاودانه سازند و به هنگام کوچ از منزلگه دنیا، ماندگاری خویش را با وجود فرزندی صالح تثبیت نمایند. این آرزو جز با رعایت حقوقی که صاحب‌امانت معین کرده است، تحقق نمی‌پذیرد.

الف. حق داشتن نام نیکو

نام‌گذاری نوزاد با نام‌های نیکو، از حقوق فرزند است.^{۳۹} امام رضا علیه‌السلام از نام نیکو به عنوان احسان و نیکی در حق فرزند یاد می‌کند و می‌فرماید: «نخستین احسان و نیکی که پدر در حق فرزندش روا می‌دارد، انتخاب نام زیبا برای اوست. پس لازم است هر یک از شما نام نیکو برای فرزند خود انتخاب کند.»^{۴۰} نام نیکو بهترین هدیه‌ای است که پدر فرزندی در زندگی از پدر و مادر خود دریافت می‌کند؛ نامی که همیشه با اوست و از او جدا نمی‌شود و همواره در شخصیت فردی و اجتماعی اش مؤثر است.

از نظر اسلام، حق فرزند تنها با نام‌گذاری به یک نام مهرچه باشد - ادا نمی‌شود، بلکه بر اساس آموزه‌های دینی، انتخاب نام نیکو و زیبا برای کودک از وظایف والدینشمرده شده است.^{۴۱} موضوع نام‌گذاری فرزند در نظام تربیتی اسلام دارای اهمیت فراوان است و حتی سفارش شده که پیش از ولادت فرزند نام نیکویی برایش انتخاب شود. در متون دینی تأکید شده است: فرزندان را قبل از ولادتشان نام‌گذاری کنید و در صورتی که نمی‌دانید فرزندان را پسر یا دختر است، نامی برایش انتخاب کنید که مناسب برای دختر و پسر باشد؛ زیرا فرزندی که از شما سقط می‌شود و برایش نام ننهادید، آن‌گاه که با شما در روز قیامت ملاقات نماید، به پدرش می‌گوید: چرا برای من نام ننهادی؛ مگر پیامبر خدا (نوه خود را) پیش از تولد، محسن نام ننهاده بود؟^{۴۲}

همچنین در اسلام، والدین از نام‌گذاری فرزندشان بانام‌های پست و زشت نهی شده‌اند. اگر پدر و مادر نامزشت یا زننده‌ای برای فرزند خود انتخاب کنند، به شخصیت و حیثیت او لطمه

وارد ساخته و فرزند خود را از داشتن نام نیکو محروم کرده‌اند. البته فرزند پس از رسیدن به سن قانونی می‌تواند نام خود را عوض کند، اما در هر حال، از داشتن نام نیکو در یک فاصله زمانی توسط والدین خود محروم شده است.

ب. حق تغذیه با شیر مادر

بر اساس اوامر الهی و نوامیس طبیعت، کودک باید از شیر مادر تغذیه کند؛ چون بهترین شیر برای شیرخواران در درجه اول شیر مادر خودش است.^{۴۳} و محروم کردن غیر موجه نوزاد از شیر مادر ستم بزرگی در حق کودک است. به همین دلیل، اسلام برای مادران شیرده ثواب‌های زیادی مقرر کرده است. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: هنگامی که مادر فرزند خود را شیر می‌دهد، در هر مرتبه‌ای که کودک از پستان او شیر می‌مکد خدای متعال، ثواب فراوانی به او عطا می‌کند و آن‌گاه که از شیر دادن فراغت می‌یابد، فرشته‌ای دست برپهلوی مادر نهاده و می‌گوید: زندگی را از نو آغاز کن، که خداوند تمام گناهان گذشته‌ات را آمرزید.^{۴۴}

شاید این پرسش برای برخی مطرح باشد که چرا اسلام تغذیه کودک با شیر مادر را به عنوان یک حقیقتی شمرده و آن را بر ذمه پدران و مادران قرار می‌دهد؟ آیا تغذیه دیگری را نمی‌توان جایگزین شیر مادر کرد؟ برای پاسخ به این سؤال به این نکته اشاره می‌کنیم که خداوند حکیم است و اقتضای حکمت کامله حضرت حق، قراردادن هر چیزی در جای خود و انتظام عالمانه آفرینش و جامع‌نگری در تشریح قوانین است. نگاهی به ولادت نوزاد و نیاز غذایی او، همزمان بودن ترشح شیر در سینه مادر و تولد نوزاد و نیاز غذایی او و ترکیبات شیر مادر، همه نشان از حکمت حضرت باری تعالی دارد و برای خردورزان نشانه توحید است.^{۴۵}

صاحب‌نظران تغذیه نیز شیر مادر را کامل‌ترین و بهترین غذای نوزاد معرفی کرده‌اند. همان‌گونه که در قرآنو فقه بر تغذیه کودک با شیر مادر تأکید شده است، آنها نیز معتقدند که مادر باید نوزاد خود را با شیر مقوی خود تغذیه کند؛ زیرا شیر مادر یک غذای کامل و از لحاظ مواد غذایی غنی‌ترین غذا می‌باشد و دارای همه موادی است که بدن بدان نیاز دارد. شیر مادر دارای مزایای متعددی است که به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود. آشنایی با این مزایا مادران را برمی‌انگیزد که فرزند خود را از حقوق خود محروم نسازند و باور کنند که تغذیه با شیر مادر حق فرزند است.

- شیر مادر به لحاظ ترکیبات غذایی، بیشتر از هر غذای دیگری با ساختار جسمانی کودک تناسب دارد؛ زیرا تمام مواد

مورد نیاز رشد را دربر دارد. شیر مادر گرم، پاک و بدون آلودگی است؛ به راحتی هضم می‌شود و اثر نامساعدی روی دستگاه گوارش کودک ندارد. پروتئین، چربی و مواد قندی مورد نیاز رشد کودک به اندازه کافی در شیر مادر وجود دارد. املاح موجود در شیر مادر مثل کلسیم، فسفر، آهن، مس و... صرف ساختمان استخوان‌ها، دندان‌ها، نظام عصبی، عضلانی و خون‌سازی طفل می‌گردد. مقدار املاح شیر مادر هضم آن را برای کودک آسان می‌کند.

- کودکانی که از شیر مادر استفاده می‌کنند، شش برابر بیشتر از دیگر کودکان شانس زنده ماندن دارند. اگر تمام نوزادان تا حدود شش ماهگی منحصر با شیر مادر تغذیه شوند، از مرگ و میر تعداد بسیار زیادی از نوزادان در سالپیش‌گیری خواهد شد. امروزه مطالعات پزشکی نشان داده است که در شیر مادر پادزهرهای مخصوصی علیه میکروب‌های مختلف وجود دارد که موجب مصونیت کودک در مقابل بیماری‌ها می‌گردد.

- شیر مادر همیشه و به آسانی و در تمام شرایط آب و هوایی در دسترس نوزاد است و کودک می‌تواند به دفعات از آن استفاده کند و چون به طور طبیعی و خام به مصرف می‌رسد، هیچ‌یک از مواد خود را از دست نمی‌دهد و همیشه تازه و با حرارت مناسب مورد استفاده قرار می‌گیرد.

- شیر مادر فقط زمینه‌ساز سلامت کودک در دوره شیرخواری نیست، بلکه مطالعات محققان نشان می‌دهد که حتی به هنگام سالمندی، آنان که در دوران شیرخواری از شیر مادر بهره‌مند بوده‌اند، به مراتب بیش از آنان که از این نعمت خداداد محروم بوده‌اند، از سلامت دستگاه قلب و عروق بهره‌مند خواهند بود و افزایش چربی و کلسترول در خون آنها کمتر از کسانی است که دوره طفولیتشان با محرومیت از شیر مادر سپری شده است.^{۴۶}

توجه به این فواید ارزشمند تبیین‌کننده این حقیقت است که تغذیه با شیر مادر از حقوق فرزندان است.

ج. حق اجتماعی شدن

یکی از ابعاد وجودی انسان، اجتماعی بودن اوست که در مقام تربیت باید بدان توجه شود. به همین دلیل، یکی از وظایف والدین و مربیان در تربیت فرزندان و نسل آینده، توجه به رشد اجتماعی آنان است تا استعدادها و توانایی‌های آنها در عرصه حیات اجتماعی شکوفا شود و بتوانند به صورت فعال و موفق در زندگی جمعی حضور یابند. به تعبیر دیگر، اجتماعی تربیت شدن یکی از حقوق فرزندان است.

تجربه بشری در زندگی اجتماعی نشان می‌دهد که سلامت نظام اجتماعی و ثبات و پایداری آن به توانایی و آمادگی و سلامت افراد آن جامعه بستگی دارد. اسلام به‌عنوان یک دین جامع‌نگر که به کلیه شئون حیات انسان توجه دارد، به تربیت اجتماعی انسان نیز توجه خاص مبذول داشته، برای تربیت انسان‌هایی منضبط و دارای توازن روحی و تعادل اخلاقی و خردورز که در عرصه‌های جمعی به صورت واقع‌نگر حضور یابند، دستورهای ارائه کرده است.

دین اسلام پایه‌های تربیت را در درون افراد بنیان‌گذارده و آنان را به رعایت اصولی سفارش کرده است که در صورت تحقق آنها در وجود افراد، نظام اجتماعی از ثمرات مفید آن یعنی تعادل، روابط پایدار، محبت‌مقابل، نظارت و مراقبت اجتماعی و... بهره‌مند می‌شود.

عفو و بخشش، ترحم و دلسوزی، رعایت حقوق دیگران، جرئت و شهامت داشتن، ایثار و گذشت، مشورت کردن، تعاون و همکاری و... جزو اصول تربیت اجتماعی است که اسلام بدان سفارش کرده و بی‌تردید، خانواده اولین نهادی است که این اصول در آن تجربه می‌شود و کودکان و نوجوانان با مشاهده رفتارهای اعضای خانواده آنها را می‌آموزند. به همین دلیل، از نظر اسلام، خانهای محبوب و مطلوب است که والدین محیط آن را محیطی الهی سازند و با انصاف و عدالت با فرزندان رفتار نمایند.^{۴۷} اسلام، ترحم و دلسوزی نسبت به کودکان، احترام به بزرگان و سالمندان،^{۴۸} تعاون و همکاری در انجام امور خانه، عفو و گذشت نسبت به خطا و اشتباه اعضای خانواده، و... را توصیه کرده است، تأفرزندانی الگوی رفتاری آنها را در خانواده مشاهده کنند و در عرصه زندگی اجتماعی و مواجهه با افراد اجتماع از تجربه‌های آموخته‌شده در کانون خانواده بهره ببرند و تعامل سازنده‌ای با افراد داشته باشند.

ج. حق ازدواج

حق ازدواج از جمله حقوق مسلم فرزندان بر والدین، بخصوص پدر است. شاید فرزندان به خاطر کم‌تجربگی، تنگدستی، آرزوهای طولانی و اندیشه‌های رؤیایی در امر ازدواج دچار انحراف یا تردید و تعلل شوند. این وظیفه برعهده پدران است که آنها را در انتخاب صحیح و مناسبیاری رسانند و مقدمات این امر مقدس را برای آنان فراهم آورند.

بر اساس معارف دینی، از جمله حقوق فرزند بر پدر خویش این است که نام نیک برای او انتخاب کند، به او نوشتن پیام‌زد^{۴۹} و آن‌گاه که به سن بلوغ رسید، زمینه ازدواج او را فراهم کند.

در دوره جاهلیت والدین به امر ازدواج فرزندان خود توجه

نداشتند؛ از این رو، خداوند متعال مسلمانان را به این کار دستور داد و فراهم آورد نامکان ازدواج فرزندان را بر پدران واجب نمود.^{۵۰}

د. حق سلامت جسم و روان

داشتن سلامت جسم و روان از حقوق فرزندان بر والدین است. یکی از دلایل سفارش اسلام به ازدواج با افراد دارای سلامت جسمی و روحی ناظر به رعایت همین حق فرزندان است. چنانچه والدین بیماری خاصی داشته باشند، احتمال ابتلای فرزندان نیز به بیماری بسیار زیاد است. برای مثال، عقب ماندگی ذهنی و اختلال روانی هر چند مانع برای ازدواج نیستند، اما نادیده گرفتن این موارد در حقیقت تن دادن به خطر است. از این روست که در منابع دینی چنین افرادی از تولید مثل منع شده اند.^{۵۱}

پس از انتخاب همسر مناسب و شایسته، زن و شوهر باید از آمادگی خود برای پذیرش مسئولیت فرزندآوری و فرزندپروری اطمینان حاصل کنند و مطمئن باشند که می توانند پس از لقاح، حقوق فرزند خود را رعایت کنند. این آمادگی فقط به جنبه جسمی منحصر نمی شود، بلکه از نظر روحی نیز باید آمادگی وجود داشته باشد. بخش عمده ای از سلامت جسمی و روانی فرزند تابع رفتارهای والدین و به ویژه مادر است. حضور یک انسان دیگر در کانون خانواده مسئولیت هایی را در زمینه نگه داری و تربیت شایسته به دنبال دارد. از نظر جسمی، تغذیه مطلوب و به ویژه از غذاهای حلال و با درآمد حلال از حقوق فرزند است.

حقوق والدین

در منابع دینی نسبت به رعایت حقوق والدین به مصادیق متعدد و مختلفی اشاره شده است. همه این مصادیق را می توان در عنوان کلی «احسان» جای داد. خداوند متعال در آیات متعدد به احسان به والدین اشاره فرموده و آن را پس از دستور به خداپرستی قرار داده است؛ یعنی احترام و احسان به پدر و مادر در دومین مرحله از مراحل اساسی دعوت قرآن قرار گرفته است.^{۵۲} مصادیق احسان در روایات با تفصیل بیان شده است. برخی از مهم ترین مواردی که در روایات به عنوان مصادیق احسان ذکر شده به شرح زیر است:

۵۳ - اطاعت از پدر و مادر؛

۵۴ - به آرامی و نرمی با آنان سخن گفتن؛

۵۵ - قطع نکردن سخنان آنان؛

۵۵ - تواضع و فروتنی در برابر آنان؛

۵۶ - برآورده کردن نیازهای پدر و مادر؛

۵۷ - دعا در حق والدین؛

۵۸ - شرکت در غم و شادی آنان؛

۵۹ - مهربانی بیشتر در حق مادر؛

۶۰ - قدردانی لفظی و عملی از زحمات های آنان؛

۶۱ - گردن نهادن به امر و نهی آنان؛

۶۲ - اجتناب از آزردهن آنان حتی به اندازه گفتن کلمه آف؛

۶۳ - رسیدگی ویژه به پدر و مادر به هنگام پیری؛

۶۴ - صدا نزدن آنان با نامشان.

اساس رابطه و مهم ترین عامل پیونددهنده والدین و فرزندان، رابطه خونی پدری و مادری و فرزند است که نام پدر و مادر نشانه ای از آن است. اگر فرزندی پدر و مادر خود را با اسم آنها صدا کند، گویا ارتباط والدینی را فراموش کرده و با اینکه مورد توجه لازم قرار نگرفته است به تدریج رابطه عاطفی و والدینی و فرزندگی کم رنگ شده و فرزندان نسبت به رعایت حقوق والدین خود احساس وظیفه نمی کنند.^{۶۱} رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز از فرزند خود حضرت زهرا علیها السلام می خواست که ایشان را با عنوان پدر مورد خطاب قرار دهد و عنوان های دیگر (مثل رسول خدا) را به کار نبرد.^{۶۲} می توان گفت: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله باین رفتار قصد داشتند رابطه عاطفی خود و فرزندشان به رابطه ای رسمی تبدیل نشود و همان حالت پدر و فرزند در ارتباطات کلامی حفظ شود.

در فقه شیعه نیز احکامی در جهت رعایت حقوق والدین بیان شده است. در ذیل، به برخی از حقوق شرعی والدین و وظایف فرزندان اشاره می شود:

۱. مسافرت غیر واجب با نهی والدین جایز نیست و در صورت سفر نماز فرزند کامل و روزه او حکم روزه مسافر را دارد؛ زیرا چنین سفری سفر معصیت به حساب می آید.

۲. اگر هنگام نماز فرارسد و در آن زمان والدین چیزی از فرزند خود درخواست کنند، باید فرزند نماز را به تأخیر بیندازد و خواسته والد خود را برآورده سازد، مگر آنکه وقت نماز تنگ باشد و سبب قضا شدن نماز واجب شود.

۳. نماز جماعت ثواب بسیار زیادی دارد، ولی اگر پدر و یا مادر، فرزند را از شرکت در نماز جماعت منع کنند، اطاعت آنان واجب است.

۴. در صورتی که ولی فقیه زمان، فرد را به شرکت در جهاد دستور نداده باشد و یا بسیج همگانی مسلمانان واجب نباشد،

منع والدین از شرکت در جهاد باید توسط فرزند اطاعت شود.
 ۵. منع از واجبه‌های کفایی، در صورتی که افراد دیگری برای انجام آنها وجود داشته باشد، نافذ است.
 ۶. اگر پدر و مادر از فرزندشان که در حال خواندن نماز مستحبی است چیزی را بخواهند، باید نماز را قطع کند و خواسته آنان را برآورده سازد.
 ۷. اگر والدین اجازه روزه مستحبی را به فرزند ندهند، وی حق روزه گرفتن را ندارد.^{۶۳}
 ۸. اطاعت و پیروی از والدین در همه کارها واجب است و جزء حقوق آنان به حساب می‌آید، مگر در مواردی که از عمل واجب نهی کنند و یا به کار حرامی دستور دهند.^{۶۴}

حق مشترک

یکی از دستورات عمل‌های دین اسلام به اعضای خانواده‌های مسلمان، ارتباط با خویشاوندان است که از آن تحت عنوان «صله رحم» یاد می‌شود. در اندیشه اسلامی، حفظ، توسعه و تعمیق روابط فامیلی و ارتباط صمیمانه و حمایتی خویشاوندان از آنچنان اهمیتی برخوردار است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) آن را جزء دین دانسته^{۶۵} و هدف از رسالت خویش را پس از بندگی خداوند و مبارزه با بت پرستی، صله رحم معرفی می‌کند.^{۶۶} در منابع دینی، حق مشترک صله رحم زمینه‌ساز دستیابی به بهنجاری در تمام امور خانواده معرفی شده است.^{۶۷}

نتیجه‌گیری

موارد ذیل، مهم‌ترین نتایج پژوهش حاضر به‌شمار می‌روند:
 ۱. در منابع دینی برای هر یک از اعضای خانواده (زن، شوهر، فرزند، پدر و مادر) حقوقی وضع شده است.
 ۲. در مقابل هر حقی، برای طرف مقابل (من له الحق) وظایفی معین شده است.
 ۳. بر اساس منابع دینی، رعایت حقوق یکدیگر برصمیمیت و استحکام نظام خانواده می‌افزاید و کارآمدی آن را تضمین می‌کند.
 ۴. رعایت نکردن حقوق یکدیگر بر کارآمدی خانواده تأثیر منفی می‌گذارد.

!!!!!!

^۱ - بازخورد attitudes که از طریق آموزش‌های

اجتماعی تحقق می‌یابد، ترکیبی از باورها و گرایش‌ها یا احساسات مساعد و نامساعدی است که به آمادگی و تمایل فرد برای نشان دادن واکنش به شیوه‌ای نسبتاً ثابت به اشیاء، اشخاص و رویدادهای خاص می‌انجامد. این تعریف شامل یک عنصر شناختی و یک عنصر احساسی و یک تمایل به عمل است. عنصر شناختی شامل اعتقاد و باور درباره شیء است و عنصر احساسی یا عاطفی معمولاً نوعی احساس عاطفی است که با باورهای انسان پیوند دارد و تمایل به عمل به آمادگی برای پاسخ‌گویی به شیوه خاص اطلاق می‌شود.

- ۲ - ابوالقاسم باقریان، *بازخورد طلاب و دانشجویان نسبت به حقوق زن در اسلام*، ص ۲.
- ۳ - محمدباقر مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۷۱، ص ۲۴۳.
- ۴ - در این تعریف سه عنصر وجود دارد:
 ۱. کسی که حق برای اوست من له الحق؛ ۲.
 - کسی که حق بر اوست (من علیه الحق)؛ ۳.
 - آنچه متعلق حق است.
- ۵ - محمدتقی مصباح، *حقوق و سیاست در قرآن*، ج ۱، ص ۲۹.
- ۶ - همان، ص ۳۱.
- ۷ - محمدرضا سالاری‌فر، *خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی*، ص ۱۳.
- ۸ - کارآمد یعنی آنکه کارها را به نیکویی انجام دهد و کارداران باشد. علی‌اکبر دهخدا، *لغت‌نامه دهخدا* معنای اصطلاحی کارآمد در مباحث خانواده، تقریباً مشابه معنای لغوی آن است. خانواده به عنوان یک نظام پویا، زنده و در حال تغییر و رشد نیز با همین صفت وصف می‌شود. کارآمد برای تشخیص فرایند عملکرد خانواده بهنجار به کار می‌رود.
- ۹ - محمدتقی مصباح، *اخلاق در قرآن*، ج ۳، ص ۶۱.

- ۴۳۵ و ۴۹۴. ۳۷
 - همان، ج ۱۵، ص ۴۹. ۳۸
 - حسین بستان، همان، ص ۶۸. ۳۹
 - روح اللّه خمینی، *تحریر الوسیله*، ج ۲، ص ۳۰۸. ۴۰
 - ملاحسن فیض کاشانی، *محجه البیضاء*، ج ۲، ص ۶۶. ۴۱
 - محمدبن یعقوب کلینی، همان، ج ۶، ص ۴۸. ۴۲
 - محمدباقر مجلسی، همان، ج ۱۰۱، ص ۱۲۸. ۴۳
 - محمدبن حسن حرّ عاملی، همان، ج ۱۵، ص ۱۷۵. ۴۴
 - همان. ۴۵
 - در دعای عرفه حضرت سیدالشهدا علیه السلام امام در مقام شردن نعمتهای الهی اشاره به تغذیه دوران کودکی می‌کند و می‌فرماید: «حَفَظْتَنِي فِي الْمَهْدِ طِفْلاً وَ رَزَقْتَنِي مِنَ الْغُذَاءِ لَبِناً تَرِيّاً...» در کتابهای کلامی نیز از اصل تطابق درون با برون به عنوان یکی از دلایل توحید یاد می‌کنند و از جمله مثالهای آن، ولادت فرزند و فراهم آوردن غذای او در سینه مادر را ذکر می‌کنند. ۴۶
 - ر.ک: بهرام محمدیان، *حقوق فرزندان از دیدگاه اسلام*. ۴۷
 - محمدباقر مجلسی، همان، ج ۷۳، ص ۱۰۲. ۴۸
 - همان، ج ۷۴، ص ۵. ۴۹
 - محمدبن علی صدوق، *عیون اخبار الرضا علیه السلام*، ص ۱۶۳. ۴۹
 - محمد محمدی ری‌شهری، *میزان الحکمه*، ترجمه حمیدرضا شیخی، ج ۱۰، ص ۷۲۰. ۵۰
 - سیدهاشم بحرانی، *تفسیر البرهان*، ج ۳، ص ۱۳۲، ذیل آیه ۳۲ سوره نور. ۵۱
 - محمدبن حسن حرّ عاملی، همان، ج ۱۴، ص ۷۵. ۵۲
 - بقره: ۸۳؛ نساء: ۲۲؛ اسراء: ۲۳. ۵۳
 - لقمان: ۱۴-۱۵. ۵۴
 - محمدبن حسن حرّ عاملی، همان، ج ۱۵، ص ۲۰۵. ۱۰
 - همو، *حقوق و سیاست در قرآن*، ج ۱، ص ۳۳. ۱۱
 - ناصر کاتوزیان، *مبانی حقوق عمومی*، ص ۱۴۵. ۱۲
 - روح اللّه خمینی، *تحریر الوسیله*، ص ۲۹۹. ۱۳
 - این ماده در ۱۳۸۹/۹/۲۰ اصلاح شده است. ۱۴
 - روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، مجموعه قوانین سال ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۱۰۷۹. ۱۵
 - روح اللّه خمینی، *تحریر الوسیله*، ص ۲۹۹-۳۰۰. ۱۶
 - همان. ۱۷
 - همان. ۱۸
 - همان. ۱۹
 - همان، ص ۲۸۸-۲۹۹. ۲۰
 - Bradford. ۲۱
 - آل عمران: ۱۴. ۲۲
 - محمدباقر مجلسی، همان، ج ۷۸، ص ۱۳۶. ۲۳
 - محمدبن یعقوب کلینی، *فروع کافی*، ج ۴، ص ۱۱. ۲۴
 - محمدبن حسن حرّ عاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۱۲، ص ۴۳. ۲۵
 - همان. ۲۶
 - همان. ۲۷
 - محمدباقر مجلسی، همان، ج ۷۳، ص ۱۰۲. ۲۸
 - همان، ج ۷۴، ص ۵. ۲۹
 - همان، ج ۷۸، ص ۲۳۶. ۳۰
 - محمدبن حسن حرّ عاملی، همان، ج ۱۵، ص ۱۷۵؛ ج ۲، ص ۱۹۶. ۳۱
 - همان، ج ۱۴، ص ۸. ۳۲
 - همان. ۳۳
 - همان، ج ۵، ص ۴۱۸؛ ج ۱۴، ص ۱۱۳-۱۱۲، ۱۲۵، ۱۵۴-۱۵۶؛ ج ۱۵، ص ۲۳۰. ۳۴
 - علین ابوبکر هیثمی، *مجمع الزوائد*، ج ۴، ص ۳۱۳. ۳۵
 - حسین بستان، *اسلام و تفاوت‌های جنسیتی*، ص ۶۰. ۳۶
 - محمدبن حسن حرّ عاملی، همان، ج ۱۴، ص ۶۸

تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.

— سالاری‌فر، محمدرضا، **خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی**، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵.

— صدوق، محمدبن علی، **عیون اخبارالرضا علیه‌السلام**، بیروت، مؤسسه‌الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۴ق.

— طبرسی، فضل‌بن حسن، **تفسیر مجمع‌البیان**، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۶ق.

— فیض کاشانی، ملاحسن، **مجه‌البیضاء**، تصحیح علی‌اکبر غفاری، قم، انتشارات اسلامی، پ.تا.

— کاتوزیان، ناصر، **مبانی حقوق عمومی**، تهران، دادگیر، ۱۳۷۷.

— کلینی، محمدبن یعقوب، **فروع کافی**، تصحیح علی‌اکبر غفاری، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۰۱ق.

— مجلسی، محمدباقر، **بحارالانوار**، بیروت، مؤسسة‌الوفاء، ۱۹۸۳م.

— محمدیان، بهرام، **حقوق فرزندان از دیدگاه اسلام**، تهران، انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۷.

— محمدی ریشه‌ری، محمد، **میزان‌الحکمه**، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۹.

— مصباح محمدتقی، **اخلاق در قرآن**، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۸.

— _____، **حقوق و سیاست در قرآن**، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۴.

— هیثمی، علی‌بن ابوبکر، **مجمع‌الزوائد**، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ق.

— همان، ج ۷۱، ص ۷۶.

— **مسند الامام الرضا علیه‌السلام**، ج ۱، ص ۲۶۸.

— محمدبن حسن حرّ عاملی، همان، ص ۲۰۵-۲۷۷.

— فضل‌بن حسن طبرسی، **تفسیر مجمع‌البیان**، ج ۶، ص ۴۰۹.

— اسراء: ۲۳-۲۴.

— محمدبن حسن حرّ عاملی، همان، ص ۲۲۰.

— محمدرضا سالاری‌فر، همان، ص ۸۷.

— محمدباقر مجلسی، همان، ج ۴۳، ص ۳۲.

— روح‌الله خمینی، **رساله توضیح‌المسائل**، احکام نماز و روزه.

— محمدباقر مجلسی، همان، ج ۷۴، ص ۷۲.

— همان، ج ۷۲، ب ۳، روایت ۷۳.

— همان، ج ۳۸، ب ۶۵، ج ۴۹.

— همان، ج ۷۴، ب ۱۷، ج ۱۰.

!!!!

— باقریان، ابوالقاسم، **بازخورد طلاب و دانشجویان نسبت به حقوق زن در اسلام**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته روان‌شناسی بالینی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۹.

— بجرانی، سیدهاشم، **تفسیر البرهان**، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.

— بستان، حسین، **اسلام و تفاوت‌های جنسیتی**، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸.

— حرّ علفی، محمدبن حسن، **وسائل‌الشیعه**، تحقیق عبدالرحیم ربانی، بیروت، دار احیاء‌التراث العربی، ۱۹۹۱م.

— خمینی، روح‌الله، **تحریر‌الوسیله**، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۹.

— _____، **رساله توضیح‌المسائل**، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۱.

— دهخدا، علی‌اکبر، **لغت‌نامه دهخدا**،